



این بنا از یک سرداب، چهارطاقی چهار ایوانه روی سرداب و یک گنبد ساقه دار بر فراز آن تشکیل شده است

دیدن این مکان ها مثل رفتن به سینما یا بیلاقات حومه شهر، سردست می شکست.

چهارشنبه های شلوغ

احمد رسولی، خرازی اش در فاصله چند قدمی گنبد خشتی است. او درباره شلوغی برخی روزهای حرم امامزاده چنین می گوید: چهارشنبه روز زیارتی امام موسی بن جعفر (ع) و نوادگان آن حضرت است؛ برای همین در این روز حرم امامزاده سیدمحمد از بقیه روزهای هفته شلوغ تر است؛ البته جمعه ها نیز یکی از روزهای شلوغ آرامگاه امامزاده است و جمعیت بسیاری برای زیارت به اینجا می آیند. این کاسب هم از پرسش های بی شمار زائران درباره امامزاده گلایه دارد و می گوید: گاهی زائران به خصوص مازندرانی ها فکر می کنند «سیدمحمد» برادر امام رضاست و سوال های زیادی می پرسند. اگر اوقاف که متولی این امامزاده است، تابلوی بزرگی از تاریخچه دقیق بنا و معرفی امامزاده در معرض دید عموم و چند نقطه از این بقعه نصب کند، زائران و مجاوران به اطلاعات دقیق و درستی دست پیدا می کنند.

ز استان ها
صبح تا پاسی
از شب در این
بقعه، به روی
زائر و مجاور،
باز است

مردم تر جیح می دهند از آنجارت و آمد کنند و کمی بر کاروکاسبی مان تاثیر منفی گذاشت. «او از آینده این بنای عهد تیموری هم خبرهایی دارد: «آن طور که شنیده ام، قرار است همه املاک و واحدهای ملکی و تجاری دوروبر تا حرم مطهر خریداری و تخریب شود و اطراف حرم گسترش پیدا کند. آن وقت امامزاده سیدمحمد در دل خود صحن و سرای امام رضا (ع) جای می گیرد؛ البته فکر می کنم عمر ما به آن سال ها قند نهد.»

از سیدمحمد مشهد تا سیدمحمد سامرا

لباس و لهجه اش نشان می دهد که اهل یکی از کشورهای عرب زبان است اما زبان فارسی را خوب می داند و می فهمد. «محمدالذهبی» دوروز است از کاظمین برای زیارت امام رضا (ع) همراه خانواده اش به مشهد آمده است. اومی گوید: ما هم در سامرا سیدمحمد داریم که از اولاد امام هادی (ع) است. آنجا هم مردم عرب و عجم و شیعه و سنی خیلی این امامزاده را دوست دارند و هدایای گران قیمت و عجیب و غریبی مثل انواع طلا و چندین رأس گوسفند و حتی شتر، نذر اومی کنند تا حاجت بگیرند؛ به خصوص آن هایی که بی بچه اند یا فرزندشان، مرضی لاعلاجی دارد. شنیده ام سیدمحمد شما هم حاجت می دهد. من هر وقت به مشهد بیایم، پیش سیدمحمد مشهدی های امی، آقای مهربانی است. مادر من سید را خیلی دوست دارد.

ساختمان کوچک در برابر پنت هاوس

مغازه پوشاک «علی غفاری» همان حوالی است. همان ابتدا تمثیل زیبایی از گنبد خشتی و حرم مطهر رضوی را جاشنی کلامش می کند: «حرم مطهر رضوی مثل پنت هاوس یا برج بلند و لوکسی است که در کنار آن ساختمان کوچک امامزاده سیدمحمد قرار گرفته است. به طور حتم همه دوست دارند پنت هاوس را ببینند؛ گر چه اهل دل در خانه و ساختمان کوچک هم شادمان می شوند و از آن غافل نمی شوند.»

اول پری از بی مهری و بی توجهی بر رخ مشهدی ها به آثار و بناهای تاریخی دارد: «واقعاً حیف است مشهدی باشی و گنبد خشتی یا پیر پالان دوز، مدرسه عباسقلی خان و خیلی از خانه ها و مکان های تاریخی مشهد را ندیده باشید.» او انگشت انتقادش را سمت مسئولان شهری می گیرد و اضافه می کند: آن ها هم در این بی خبری شهروندان مشهدی، سهم مهمی دارند؛ چرا که اگر در سال های گذشته برنامه ریزی درستی در این زمینه می شد، نسل امروز برای

امام هشتم (ع)، ابتدا نزد امامزاده سیدمحمد می آیند. زمستان ها صبح تا پاسی از شب در این بقعه، به روی زائر و مجاور، باز است و در بهار و تابستان، شب ها نیز حتی گاهی تا صبح، در این مکان مقدس باز گذاشته می شود و زائران هم استقبال خوبی می کنند. اومی افزاید: بیشتر بازاری ها و مغازه دارهای اطراف حرم امامزاده، نماز خود را به جماعت در این حرم اقامه می کنند و علاوه بر نماز جماعت، مراسم مذهبی دیگر هم در اینجا برگزار می شود.

مردانی از سر تا سر ایران

به زحمت شاید سن و سالش به ۳۵ برسد. امیر اسماعیل زاده، کاسب نقره فروشی مقابل در قدیمی گنبد خشتی است. با آنکه جوان است، اطلاعات خوبی درباره گذشته و حال و حتی آینده این مکان تاریخی دارد؛ آگاهی هایی که مرهون مطالعه کتاب های تاریخی و گفته های مادر بزرگ هشتاد و پنج ساله اش است. با آنکه در بزرگی در راسته خیابان طبرسی ساخته شده است، قدیمی ها هنوز از در اصلی گنبد خشتی که داخل کوچه است، وارد آرامگاه می شوند. این کاسب جوان به نذر جالبی اشاره می کند که خیلی از زائران و مجاوران برای اینکه حاجتشان برآورده شود، هنوز به آن پایبند هستند: «زائران امامزاده سیدمحمد، همان زائران حضرت امام رضا (ع) هستند. این امامزاده را شاید برخی مشهدی ها نشناسند، اما مردانی از سراسر نقاط کشورمان و حتی کشورهای دیگر دارد؛ به عنوان مثال ترک های آذربایجان و اهالی شمال کشور، گیلانی ها و مازندرانی ها و همچنین شیعیانی از کشورهای عراق، افغانستان، ترکیه، پاکستان، سوریه، لبنان و چند کشور دیگر اگر به مشهد بیایند، معمولاً زیارت امامزاده سیدمحمد را هم در برنامه سفر خود می گنجانند، حتی گردشگران اروپایی هم علاقه مند دیدن این بنای تاریخی هستند. مشهدی های قدیم مثل مادر بزرگم و نیا کانشان برای اینکه حاجت روا شوند، یک من نان گندم و ۳۰ سیر ماست، نذر امامزاده سیدمحمد می کردند تا به خاطر دعا و آبروی امامزاده، خدا حاجتشان را بدهد؛ به همین علت به این اقادر نهایت احترام و صمیمیت، آقا ن و ماستی می گفتند.»

او طرح گسترش بقعه را پیش می کشد و البته جانب انصاف را نیز رعایت می کند و به رونق کار به سبب همسایگی هم اشاره ای می کند: «وجود این امامزاده و بنای خشتی و قدیمی به کار من و سایر کاسب های دوروبر رونق داده است اما از دوه سال پیش که در خیابان طبرسی را ساختند، برخی

